

پایگاه اسنادی
نامه‌ها، اسناد و عکسهای تاریخی

● وصیت‌نامه میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر/ غلامعلی مصدق

میرزا هدایت الله وزیر دفتر

۳۰۹

میرزا هدایت الله وزیر دفتر فرزند میرزا حسین آشتیانی و از خاندان مستوفیان آشتیان بود. او حوالی سال ۱۲۳۴ هجری قمری دیده بجهان گشود. پس از فوت زود هنگام پدرش، تحت تکفل عم خویش، میرزا حسن مستوفی الممالک تربیت یافت و به مصاهرت آن بزرگ درآمد.^۱ در زمان صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر، مأمور تعدیل مالیات صائین قلعه شد و این مأموریت را بخوبی انجام داد. از سال ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۹ قمری سمت وزارت لشکر (ریاست دارایی ارتش) با او بود و در ۱۲۹۰ قمری بوزارت دفتر استیفاء (ریاست دارایی) نایل گردید. در ۱۲۹۹ قمری بدلیل تفویض امور وزارت دفتر به فرزند خردسال میرزا یوسف مستوفی الممالک (پسر عم میرزا هدایت) از این مقام کناره گیری نمود. در پی درگذشت میرزا یوسف مستوفی الممالک در ۱۳۰۳ هجری قمری، تمام مشاغل وی به فرزند یازده ساله اش، میرزا حسن واگذار شد و میرزا هدایت الله بعنوان نایب او منصوب گردید (بعدها این سمت از طرف وزیر دفتر به فرزند ارشدش واگذار شد). در ماه صفر ۱۳۱۰ هجری قمری، میرزا هدایت الله وزیر دفتر به بیماری وبا درگذشت و

۱. وزیر دفتر بعدها با ملک تاج خانم فیروز (ملقبه به نجم السلطنه) ازدواج کرد که حاصل آن پیوند مرحوم دکتر محمد مصدق و خانم دفتر الملوک بودند.

هفت پسر و پنج دختر از خود بیادگار نهاد.^۱

مرحوم وزیر دفتر علاوه بر داشتن تبحر در امور دیوانی، از ذوق ادبی و عرفانی سرشاری بهره‌مند بود. نویسنده کتاب «طرائق الحقائق» در وصف مشارالیه نوشته است: «... محبت با نیکان و درویشان حقیقت نشان را غنیمت می‌دانست [۹] غالب مشایخ زمان خویش را ملاقات فرموده و با مرحوم منور علیشاه بخصوص اظهار جلوس می‌نمود [۹] از خدمتش راقم را بسی فیض بود و در عرفان ذوقی خاص و در تأویل بعضی آیات مسلکی به اختصاص داشت.»^۲

همچنین، مؤلف اثر «حدیقة الشعراء» در مورد وی نوشته است «مشارالیه مردی است خلیق، بسیار آرام و مؤدب و موقر و به قاطبه عرفا و فقرا هم مایل و به عقیده بعضی از بزرگان هم نظری یافته است. با مشغله دایمی ملکی در امور ملتی اهتمام دارد [۹] بعد از واجبات، بسیار از مستحبات را مواظبت می‌نماید [۹] دایماً در ذکر است [۹] رعایت فقرا و مساکین را هم خیلی منظور دارد.»^۳

آثار وزیر دفتر حکایت از چنین گرایش مذهبی و عرفانی دارد و با مطالعه کتابهای او (کشف و اشراق، تحفة الخواص، دژه مخزن و سر کلام) و حتی متن وصیت‌نامه او می‌توان به تعلقات عارفانه او پی برد.

چندی قبل آقای احمد بنی‌جمالی نسخه‌ای از وصیت‌نامه مرحوم وزیر دفتر را بمن داد که در میان اوراق نگهداری شده در مرکز اسناد ملی ایران یافته بود. پس از نشان دادن این سند به استاد ارجمند، جناب آقای ایرج افشار (مدظله العالی) معلوم شد که وصیت‌نامه ایست مکتوب یکی از منشیان وزیر دفتر و ظاهراً در اواخر سده سیزدهم قمری نگاشته شده است. بهر روی، با عنایت آقای افشار و راهنمایی آنجناب، این سند خوانده شد و اکنون در مجله وزین «بخارا» بچاپ می‌رسد. امید آنکه مطالعه این وصیت‌نامه موجب آشنایی خوانندگان با جامعه نخبگان ایران عصر قاجار و شناخت روحیات آنان گردد.

غلامعلی مصدق

زمستان ۱۳۸۳ خورشیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

هو الحی لاله الا هو فادعوه مخلصین له الدین و الحمد لله رب العالمین

۱. ر.ک. فصلنامه «آزادی»، شماره ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۰ خورشیدی.

۲. معصوم شیرازی، محمد، طرائق الحقائق، ج. ۳، ص. ۵۹۰.

۳. دیوان بیگی، سیداحمد، حدیقة الشعراء، ج. ۳، ص. ۲۰۵۸.



● میرزا هدایت الله وزیر دفتر (پدر دکتر محمد مصدق)

امروز که روز پنجشنبه نهم شهر جمادی الثانی و روز اول سرطان هذه السنة اودایل ۱۲۹۴ است در حالت صحت بدن و انشاء الله بدرستی عقل که ظاهراً ایمن می باشم از نسبت دادن «ان الرجل لیحجر و یهدد متوکلا علی الله» فرزند ارشد خودم را که سمی خامس آل عبا حسین^۱ است و بحکم «الولد سراپیه» سر من است وصی مطلق و ناظر و خلیفه بلاعزل خودم نمودم در نفس خودم و به اولاد خودم و به اموال خودم.

پس تصرف او در من و آنچه متعلق به ثلث من است «کنصرف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم» خواهد بود. هر که از نسل من است او را وصی من و ولی خودش خواهد دانست. اوامر و نواهی میرزا حسین را مطیع خواهد بود و هر که مخالفت و معاندت با او نماید «اشهد بالله و کفی بالله شهیدا» که من از خلاف کننده بری و بیزار هستم «ذلک الکتاب لاریب فیه»

و در این ضمن از او خواهش می کنم بقدر وسع و امکان نه به نهج اذیت و امتنان حتی المقدور در رعایت و حمایت و پرستاری و تربیت آحاد و افراد آنها غفلت و تجاهل ننمایند. آنها

۱. میرزا محمد حسین وزیر دفتر، جدّ خاندانهای دفتری و متین دفتری که پس از فوت پدر، چندی در سمت وزارت دفتر استیفاء انجام وظیفه نمود.

را در معاشرت نمودن با سفها و جهال و اجامر و اوباش و جماعت رنود و قلاش، اشخاصی که در مذهب و ملت می‌خواهند احداث فتنه و فساد بکنند و از جنود شیطان رجیم می‌باشند منع نماید و در مجموع اولاد من ذکوراً و اناثاً انشاء الله تبارک و تعالی از اموری که خفیه کاری و نجوی لازمه او است به حکم «انما النجوى من عمل الشيطان» از این قبیل اعمال محترز و مجتنب باشد. از باری نفوس و حافظ مخلوق مسئلت نمودم که نسل مرا از مجموع اینها محافظت و محارست فرماید، بمنه و جوده

و همچنین سفارش می‌کنم که در توقیر علمای اسلام مبالغه نمایند. زیرا که علما از دو قسم خارج نیستند یا جامع علم و عمل هستند یا آنکه علم بی عمل دارند. صنف اول که علم و عمل را جامع اند مقتدای ملت خاتم النبیین می‌باشند. اطاعت آنها اطاعت خدا و رسول خداست. قسم دوم که علم دارند و عمل ندارند ملت و مذهب از اینها آسوده است. نهایتش این است که القای شبهه و فتنه و فساد در اموال خلائق خواهند نمود. طریق گرفتن رشوه و عشوه را می‌پیمایند. به دراهم معدود حق هر کسی را باطل و باطل هر کس را حق خواهند نمود. این اعمال زشت ناهنجار به دنیا و آخرت خودشان مضر است. فقر و فاقه این جهان در بارگاه صمدیت معتنابه نخواهد بود «الدنيا جيفة و طالبها كلاب»

۳۱۳

گر برد مالت عدوی سر فرنی رهنزی را برده باشد رهنزی

با سلاطین و فرمانفرمایان خائن و منافق و مخالف نشوید که منتها به هلاکت می‌شود. با وزراء و صدور کینه و عناد و حقد و حسد نوزید زیرا که هر کس به هر مقامی رسیده است به امر و اراده خدای تعالی بوده است، به اهتمام و مبالغه شخص آنها مربوط نیست و مداخلت ندارد «الهم لا مانع لما اعطيت و لا سقظ لما سنت و لا رافع لما وضعت و لا واضع لما وضعت توتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء» می‌فرماید «قل کلام عند الله»

برو کشتی آنجا که خواهد خدا اگر جامه بر تن درد ناخدا

مخالفت و ضدیت با وزراء و صدور شخص را در انظار بی وقع و مقدار می‌کند. هر کس به تملق آنها [پبردازد] صدمه به این شخص وارد می‌آورند. در این صورت چه ضرورت دارد که شخص در افتضاح و تزییع خودش مبالغه نماید. خواهش می‌کنم که آنچه را به خود می‌پسندید به همه کس بپسندید. در نصایح و زرای ماضی است «من اصلح فاسده ارقم حاسده، من اطاع غضبه اصاع اذبه، من سعادت جدک و قوفک عند حدک»

و همچنین خواهش می‌کنم که میزان خرج خودتان را تابع میزان دخل خودتان بکنید به حرفهای مفت این و آن و اشخاص حاشیه‌نشین و مفت خور به هیچوجه من الوجوه اعتنا نکنید

و راه خودتان را از دست ندهید. هر کس در کار خودش بینا و بصیر است. حتی الامکان قرض نکنید. ملاقات طلبکار قبض الرجال است. اگر شخص از گرسنگی بمیرد بهتر از آن است که ذلیل دست طلبکار شود، نعوذ بالله. قدر املاک خودتان را بدانید که به زحمت فراوان و خون دل بی پایان تحصیل شده است. ملک را آباد نگه دارید و مگذارید مخروبه بشود و به هیچوجه من الوجوه بقدر ذره‌ای از املاک خودتان را به معرض بیع و شری در نیاورید و در نزد هیچ کس به بیع و شرط مگذارید و بهیچوجه من الوجوه... زندهای خودتان را نیندازید و ملک را وقف نکنید و مطلق املاک را به اولاد ذکور خودتان بدهید بعلت آنکه خانه شما آشیانه شما است. باید مخصوص اولاد ذکوری بشود که از صلب شما قدم به عرصه عالم می‌گذارد و قراء و مزارع و مراتع خرج سفره این آشیانه خواهد بود. هر چه به اولاد اناث خودتان می‌دهید از محصول ملک بدهید. فرضاً شخص ماده گاوی دارد اگر عین ماده گاو را از خانه خودش خارج نماید هرگز تمتع از شیر و ماست او نخواهد برد و اگر عین ماده گاو را همیشه در خانه خودش ضبط نگه دارد از شیر و ماست و روغن آن به هر که بخواهد بدهد هر آینه مرتکب امر ممدوحی شده است و نظایر این مطلب بسیار است.

اگر چه نوشتن این نصایح به حکم «قل کل يعمل شاکلته» مفید فایده نخواهد بود صحبت مقتضی شد که به تحریر بعضی از نصایح و مواظپ پردازد.

ای خدا انعامت از ما وامگی. نقل و باده جامت از ما وامگیری

(الهدایة امر من لدیک)^۱

از کافه مؤمنین و مسلمین متوقع چنانم به هیچوجه من الوجوه از این وثیقه تحریف کلم از مواضع ننمایند. توجیه و تأویلی که به خلاف ای مقصود متطوق بشود تمام آن توجیه و تأویل را وسوسه شیطان و هواجس نفس بدانند. اگر کلمه و لغتی در این ورقه نوشته شده باشد که بطور صورت شرع مخل ایراد باشد که اگر به جای این لفظ فلان لفظ را نوشته بود چون که این لفظ را به این عبارت نوشته است محتمل است که مقصودش فلان باشد، این توجیها و احتمالات را هرگز نباید بکنند و بدهند.

لفظ اگر کج باشد و معنیش راست آن کسجی لفظ مقبول خداست

هرگز به این مکتوب تبدیل و تحریف نباید بشود. هر که در صدد بحث و ابطال این ورقه برآید از رحمت و اسعه بی بهره باشد. والسلام علی من اتبع الهدی
(الهدایة امر من لدیک).